

## صورتبندی نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها به

### مثابه دانشی بینارشته‌ای

علی محمدی هوشیار<sup>۱</sup>

#### چکیده

نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها؛ درباره نیازمندی به دانشی ترکیبی و انضمام یافته بر کلام اسلامی و در مقام دانش استراتژیک، با عنوان دانشی بینارشته‌ای بحث کرده است. این نوشتار با هدف نیازسنجی دانش مواجهه با فرقه‌ها، علم کلام مرسوم را مکفی در این مصاف ندانسته و در مقام اعلام نیاز به دانش استراتژیک در مواجهه با فرقه‌ها وارد شده است. به جهت اثبات این ادعا که علاوه بر علوم انتزاعی، به علوم انضمامی نیز نیاز داریم؛ مواجهه با فرقه انحرافی را در سه مرحله «مقدماتی»، «مواجهه» و «پیامد سنجی» مورد مطالعه قرار داده و نقش هر کدام از دانش‌ها و روش‌های انضمامی را تعیین کرده است تا بر اساس آن، نتیجه مطلوب در مواجهه «هدایتی و کنترلی و مدیریتی» حاصل شود. آنچه در این پژوهش محقق گردید، روش دانش سنجی و تحلیل سوژه و تعیین روابط بین این دو است، که بر اساس پاسخگویی این علوم به سؤالات سوژه، نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها ارزیابی می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** نظام دانش، مواجهه با فرقه‌ها، فرقه‌های انحرافی.

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم - پژوهشگر رسمی و عضو گروه جریان‌شناسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، رایانامه: a.m.hoshyar86@gmail.com

## مقدمه

نگاه منظومی به دانش مواجهه با فرقه‌ها، از جمله ضرورت‌ها و خلائهای موجود در فضای علم کلام است که می‌تواند به عنوان دانش بینارشته‌ای مورد بحث قرار گیرد. این دانش به عنوان دانش سیستمی و ضد سیستمی؛ قابلیت آن را دارد تا دارای یک مرکز بنیادی به نام کلام اسلامی، و در مقام یک امر انتزاعی؛ توانایی مدیریت و محوریت بخشی انضمامات مورد نیاز در مواجهه با فرقه‌ها را داشته باشد.

در نگاه سیستمی و ضد سیستمی به دانش مواجهه با فرقه‌ها؛ عناصر متعامل یا وابسته به هم، در پی تشکیل یک کل واحد و منسجم هستند که به صورت مجموعی در صدد حل یک مسأله عینی در جامعه باشند (مریام وبستر، ۲۰۱۹، ۱: ۱۶). بنابراین با توجه به سیستمی انگاری دانش مواجهه با فرقه‌ها؛ فهم ابعاد و ارکان این سیستم به مثابه انضمامات علوم اجتماعی و معرفتی ضرورت می‌یابد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پرواضح است که این دانش؛ در سنت و در طول کلام اسلامی تعریف می‌شود و رویکرد جدیدی را برای حل یکی از مسائل اعتقادی جامعه پیش روی قرار می‌دهد. دانش مورد نظر، به مانند کلام کاربردی نیست تا در پی اثبات چگونگی تحقق عینی کلام در مناسبات اجتماعی باشد، بلکه دانش مواجهه با فرقه‌ها در تلاش است تا چگونگی کنترل، هدایت و مدیریت مسائل فرقه‌ها را در ابعاد اعتقادی و اجتماعی تبیین و ترسیم کند. به عبارتی دیگر؛ کلام کاربردی به مجموعه مطالعاتی که راه‌های تحقق باورها و مقولات کلامی را در محیط زندگی فردی و اجتماعی انسان ایجاد کند اطلاق می‌گردد. به عنوان مثال؛ از علم فیزیک برای اثبات وجود خداوند در مواجهه با یک آنتیسیست استمداد می‌طلبند، اما در دانش مواجهه با فرقه‌ها، از هیچ دانشی برای اثبات عقیده استفاده نمی‌شود، بلکه این دانش؛ در پاسخ به مجموعه راهبردها و راهکارهای فرقه‌ها تأسیس شده و علاوه بر مواجهه انتزاعی، انضمامات مورد نیاز را به باری طلبیده است. مانند استفاده از دانش حقوق برای کنترل و مدیریت فرقه‌ها، یا استفاده از دانش جامعه‌شناسی برای شناخت علل و عوامل اجتماعی پیدایش فرقه‌ها یا استفاده از فقه برای شناخت احکام معاشرت با فرقه‌ها، که تماماً در مسیر هدایت و کنترل و مدیریت فرقه‌ها مورد استفاده قرار گرفته و در ردیف علم کلام برشمرد می‌شوند. به دیگر سخن؛ این دانش، به مانند «دانش استراتژیک» در مواجهه با فرقه‌ها

وارد شده و در پی مدیریت تهاجم و چالش‌های اعتقادی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی و سایر انضمامات است. طبق این توضیحات می‌توان گفت دانش کلام کاربردی، تعریف به غایت و فایده است، و دانش مواجهه با فرقه‌ها تعریف به روش است.

تولید این دانش، تابع فهم نیاز سازمان مقابله‌کننده، به تغییر استراتژی و تبدیل رویکرد مواجهه با فرقه‌ها از یک امر انتزاعی به یک امر انضمامی و عملیاتی است و در واقع، باید از مواجهه کلامی صرف، به مواجهه اجتماعی - معرفتی تغییر رویکرد داد. رویکرد انتزاعی، نوعی بینش فلسفی در تجزیه و تحلیل علمی را معرفی می‌کند که معتقد است «رسالت اساسی علم تحلیل و مدیریت بنیادین موضوعات است»، این بینش، در خصوص فرقه‌ها که چندساحتی و ترکیبی هستند، امکان پاسخگویی و مواجهه را از دست خواهد داد.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون رویکرد غالب در این مواجهات، انتزاعی و مفهومی بوده و منتقدان را محصور در استفاده از دانش کلامی صرف کرده است. اما با توجه به اینکه روش تبلیغ و جذب و محاجه فرقه‌ها شکل انضمامی و متغیر داشته و از تمامی علوم به عنوان پیش‌ران‌های خود بهره می‌برند، به تبع، دانش مواجهه با فرقه‌ها نیز باید به عنوان دانشی مصرف‌کننده، نسبت خود با سایر علوم را روشن کرده و در مواجهات فرقه‌ای از آنها بهره ببرد.

طبق این دانش، فهم ما از فرقه و شناخت ما از آسیب‌دیده‌ی فرقه‌ای و حتی بررسی آسیب‌های فردی و اجتماعی فرقه و راه‌های مواجهه و مقابله با آن، در انحصار مفاهیم و انتزاعات مفهومی نمانده و همه این مولفه‌ها، علاوه بر بررسی‌های اعتقادی و مفهومی، سایر انضمامات مورد نیاز را به جهت حصول نتیجه مطلوب مورد استفاده قرار خواهد داد.

نکته قابل توجه اینکه؛ دانش مواجهه با فرقه‌ها در پی ارائه مباحث روش‌شناختی نیست تا بر اساس آن به شناخت و بررسی کارآمدی‌ها و ناکارآمدی‌های روش‌های گوناگون در مواجهه با فرقه‌ها بپردازد. بلکه این دانش، به مانند دانشی استراتژیک، استفاده نظام‌مند از سایر علوم برای هدایت و کنترل و مدیریت فرقه‌ها است که در طول کلام تعریف شده‌اند.

با توجه به اینکه هدف کلی دانش مواجهه با فرقه‌ها؛ هدایت و کنترل است، طبیعتاً بدون استمداد از علوم اجتماعی - معرفتی و صرفاً با تکیه بر کلام اسلامی با رویکرد پاسخ به شبهات یا حتی با رویکرد تهاجمی، نیل به هدف حاصل نخواهد شد، زیرا مقوله انحراف، بیش از آنکه به عنوان یک امر اعتقادی مورد بررسی قرار گیرد، باید

محیط پیرامونی آن به مثابه زمینه و بافتارها و عوامل مداخله‌گر مورد توجه باشد تا به تناسب نیاز به مداخله سایر علوم، زمینه را برای هدایت و کنترل ایجاد کند. اهداف رفتاری این دانش را می‌توان در سه بخش عمده توضیح داد:

### ۱. تامین دانش مواجهه هدایتی

شناخت عوامل تاثیرگذار و تعیین میزان تاثیر عوامل بر اراده آدمی، در مقوله جذب به فرقه‌ها و همچنین شناخت عوامل موثر در دفع یا جدایی از فرقه‌ها و نیز شناخت آسیب‌ها و میزان تاثیر فرقه‌ها بر باورها و سبک زندگی و سایر امور اجتماعی مردم، نیازمند پژوهش‌های روشمند و مساله محور است. عواملی همچون: سیاسی، جامعه شناختی، روانشناختی، اقتصادی و... که هر کدام باید در مسیر مواجهه صحیح و مؤثر برای نیل به هدایت مدخلیت داشته باشند.

### ۲. تامین دانش مواجهه کنترلی

چرائی سوگیری‌ها و مواجهات پیشگیرانه و چگونگی اخذ تدابیر مدیریتی و کنترلی در قبال فرقه‌ها، یکی از دانش‌های مورد نیاز برای دستگاه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر و تأثیرگذار به شمار می‌رود.

به عنوان نمونه می‌توان به دستگاه قضایی اشاره کرد که برای مواجهه بهتر و کارآمد با فرقه‌ها، نیازمند دانش مواجهه هستند تا با در نظر گرفتن جوانب اجتماعی و انسانی و معرفتی مسأله، تدابیر لازم را اخذ کنند.

### ۳. تولید اسناد بالا دستی مواجهه مدیریتی

مواجهه با فرقه‌ها نیازمند اسناد بالادستی است تا با استناد به آنها، سیاست‌های کلی مواجهه؛ اعم از چشم انداز مواجهه، شاخصه‌های مواجهه، نقشه تقابل، اسناد توسعه‌ی میدان مواجهه و... سرلوحه اقدامات قرار بگیرد.

به عنوان نمونه می‌توان به تعیین حدود و ثغور مسأله تقریب بین مذاهب اشاره کرد که در قالب اسناد توسعه میدان مواجهه، کارآمدی خواهد داشت، یا حتی می‌توان به تعیین سهم برخوردهای امنیتی در مواجهه با سران فرقه‌ها اشاره کرد که در قالب شاخصه‌های مواجهه کارآمدی خواهد داشت. یا می‌توان به تفسیر قوانین موضوعه در مساله مواجهه اشاره کرد که در قالب نقشه تقابل کارآمدی خواهد داشت.

این نوشتار، در حال حاضر عهده‌دار صورتبندی نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها است و طبیعتاً برای تدوین منظومه جامع این دانش به مقالات متعددی نیاز خواهد بود.

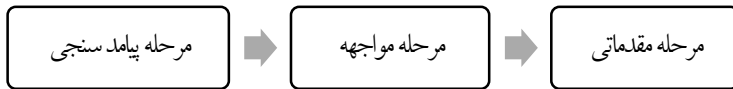
## تدوین نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها

مطالعات میان‌رشته‌ای انواع متفاوتی دارد که از نظر ماهیت یکسان نیستند. به طور مشخص آنچه مورد نظر این پژوهش می‌باشد، مطالعات میان رشته‌ای از نوع «بینارشته‌ای» است که موضوع واحدی را از زوایای متفاوت و با تکیه بر چند رشته، مطالعه می‌کند؛ برخلاف دانش‌های «چندرشته‌ای» که با وجود اینکه چندرشته با هم ادغام شده و تلاش می‌شود تا از دیدگاه‌های چندرشته برای حل مسئله استفاده شود، ولی محور اصلی یک‌رشته است. و نیز «تقاطع‌رشته‌ای» که از مرزهای مشترک میان دو یا چند رشته سود می‌جوید و یا در «فرارشته‌ای» که از سایر رشته‌ها و فراتر از تقسیم‌بندی سنتی، فقط در حد نیاز و ضرورت استفاده می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۹؛ طاهری دمنه و حیدری دارانی، ۱۳۹۸: ۷۳).

نگاه منظومی و استراتژیک به دانش مواجهه با فرقه‌ها به مثابه دانش بنیارشته‌ای هیچ سابقه‌ای ندارد و این نوشتار در مقام تأسیس آن دانش، با روش توصیفی تحلیلی و میدانی کتابخانه‌ای می‌باشد تا ضمن نیازسنجی، دانش جدیدی را پیشنهاد دهد.

دانش مواجهه با فرقه‌ها باید متضمن حل مسائل سه مرحله کلی و اساسی باشد:

۱. مرحله مقدماتی؛ ۲. مرحله مواجهه؛ ۳. مرحله پیامد سنجی؛ که ترتیب آن در نمودار مشخص شده است:



نمودار شماره ۱: فرایند دانش پذیری مواجهه با فرقه‌ها

### ۱. مرحله مقدماتی

مواجهه هدایتی، یکی از اهداف اصلی دانش مواجهه با فرقه‌ها بشمار می‌رود. از این رو، کسب برخی اطلاعات و آگاهی از برخی دانستنی‌ها بسیار ضروری و حائز اهمیت است؛ چراکه با گردآوری پیش نیازهای مواجهه، علوم مورد نیاز با هر کدام نیز احراز خواهد شد.

پیش نیازهای مواجهه بر اساس مسأله و چگونگی مسأله طراحی می‌شود. بنابراین ابتدا به تعیین موضوع و سپس به مسأله پردازی و تعیین پیش نیازهای مواجهه پرداخته می‌شود تا در نهایت به روش‌های حل مسأله در مقام دانش میان رشته‌ای مواجهه با فرقه‌ها دست یافت. این فرایند در نمودار زیر مشخص گردیده است:



نمودار شماره ۲: فرایند تعیین پیش نیاز مواجهه با فرقه‌ها

### ۱-۱. تعیین موضوع

اینکه ما می‌خواهیم درباره کدامین موضوع بحث و بررسی داشته باشیم، اولین گام در فرایند تعیین پیش نیازهای مواجهه با فرقه‌ها قلمداد می‌شود. به عنوان مثال: موضوع بحث ما می‌تواند «فرقه احمد الحسن» و محمول آن «مدعی دروغین مهدویت» باشد.

### ۱-۲. تبیین مسأله عینی

مسأله عینی همان واقعیت مسلم، آشکار، رسمی و غیرقابل تردید است که برای همه قابل تشخیص و درک است (مانند آلودگی هوا در تهران). عموماً مسأله عینی از دو منظر پردازش می‌شود: ۱. از منظر عینیت؛ ۲. از منظر تأثیر. بنابراین ما در هر موضوعی دو مسأله داریم. به عنوان مثال: مسأله عینی ما از منظر عینیت می‌تواند اینگونه باشد: «احمد الحسن به عنوان یکی از مدعیان دروغین مهدویت در ایران فعالیت می‌کند». و از منظر اثرگذاری اینگونه نوشته شود: «فرقه احمد الحسن تعدادی از جوانان را در ایران جذب کرده است». این مسأله بر اساس داده‌ها و اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای دقیق به دست می‌آید (محمدی هوشیار، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

برای آنکه به یک پیش نیاز مناسب با موضوع و مسأله دست یابیم، باید در شناخت و تبیین عینی دقت‌های لازم اعمال شود.

### ۱-۳. توصیف مسأله

برای آنکه پیش‌نیاز بهتری تدوین شود، نیاز به توصیف دقیق مسأله عینی است تا با کشف لایه‌های پیدا و ناپیدای آن، نیاز به علوم و انواع آن احراز گردد. در این مرحله می‌توان به علل پیدایش، علل گسترش فرقه و همچنین به علل گرایش به فرقه از زوایای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و... پرداخت و علاوه بر آن؛ پیشران‌ها یا موانع محیطی فرقه نیز با دید آینده پژوهانه مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱-۴. پیش‌نیاز حل مسأله

وقتی «فعالیت احمد الحسن به عنوان مدعی دروغین مهدویت در ایران» و «جذب تعدادی از جوانان توسط فرقه احمد الحسن در ایران» به عنوان دو کلان

مسأله تعیین شد، پیش‌نیازهای حل مسأله باید متناظر بر مسأله مورد نظر و همچنین بر اساس داده‌های به دست آمده در مرحله توصیف مسأله باشد. ذیل هر مسأله؛ باید «شبکه مسائل» تشکیل شود تا برای حل آن مسائل، امکان تاسیس «شبکه دانش» فراهم شود (کاظمی مقدم، ۱۳۹۵: ۶۰).

مجموع پیش‌نیازهای مواجهه با فرقه احمد الحسن باید متناسب با شبکه مسائل آن باشد. این پیش‌نیازها امکان دسته‌بندی به پیش‌نیازهای نظری و عملی دارند. به عنوان نمونه می‌توان به پیش‌نیازهای حل مسأله از منظر اثرگذاری اشاره کرد. لذا پیش از مواجهه با یک آسیب‌دیده‌ی فرقه احمد الحسن؛ کسب اطلاعات و اقدامات زیر ضروری است:

- آشنایی با علوم مربوط به مهدویت و امامت (حدیثی - کلامی)؛
- مطالعه تاریخ و آثار منتقدان فرقه و گزارش افرادی که از فرقه جدا شده‌اند (تاریخی)؛

- کسب اطلاعات کافی درباره فرقه و رئیس فرقه (جریان شناسی)؛
- آشنایی با قوانین و مقررات مربوط به فرقه‌ها (فقهی - حقوقی)؛
- برخورداری از دانش رفتارشناسی (روانشناسی).

هر کدام از پیش‌نیازهای فوق؛ متضمن یک مسأله، ذیل شبکه مسائل مربوط به فرقه احمد الحسن است و برای حل هر کدام از این مسائل، نیاز به شبکه دانش متناسب با آن خواهد بود تا در حل مسأله ورود تخصصی داشته باشد.

## ۲. مرحله مواجهه

پس از تاسیس شبکه مسائل در مرحله مقدماتی مواجهه با فرقه و نیازسنجی‌های لازم نسبت به علوم مورد نیاز برای حل مسائل، اکنون نوبت به تجهیز در مرحله مواجهه با «فرقه یا جذب شده‌ی به فرقه» به عنوان دو سرشبکه اصلی در شبکه مسائل رسیده است.

مرحله مواجهه نیاز به لوازمی دارد تا مواجهه‌کننده را در آن مواجهه همراهی کند، که بیشتر سوی عملی دارند تا نظری، که به برخی از موارد مهم اشاره می‌شود:

### الف) مواجهه هدایتی:

- رعایت اخلاق مواجهه (علم اخلاق)؛

• رعایت اصول مناظره (علم منطقی)؛

• رعایت اصول مشاوره (علم مشاوره).

### ب) مواجهه کنترلی و مدیریتی:

• برخورداری از دانش مواجهه کنترلی و مدیریتی (مدیریت دانش)؛

• تسلط بر کلان روایت‌های فرقه‌ها (علم آینده پژوهی)؛

• همکاری با سازمان‌های مرتبط (علم مدیریت).

آبشخور هر کدام از موارد مورد رعایت، یکی از علوم ضروری در مواجهه هدایتی تلقی می‌گردد و بدون توجه به قواعد و رعایت استانداردهای این علوم و به صرف پاسخ به شبهه، هیچ‌گونه هدایتی محقق نخواهد شد.

### ۳. مرحله پیامد سنجی

مواجهه اندیشه‌ای با فرقه‌ها، به تبعیت از شبکه مسائل، باید دارای نظام‌واره‌ای باشد که امکان حصول به نتیجه مطلوب را فراهم کند. بنابراین؛ مواجهه مقطعی و تک بُعدی، نه تنها نتیجه مطلوبی نخواهد داشت، بلکه این احتمال را تقویت خواهد کرد که فرد آسیب دیده را از یک فرقه خارج کرده و زمینه را برای جذب در فرقه‌ای دیگر فراهم کند. از جمله مواردی که در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

• استفاده از ظرفیت مشارکتی شهروندان؛

• حمایت از قربانیان فرقه و مستبصرین؛

• ترویج ارزش‌ها و ایدئولوژی سالم؛

• استفاده از ظرفیت نهادهای فرهنگی؛

• استفاده از ظرفیت نهاد خانواده.

آبشخور تمامی اقدامات در این مرحله، آشنایی با علم مدیریت و نیز التزام به اخلاق سازمانی است و شاید بتوان این مرحله را مرحله انتاج نامید.

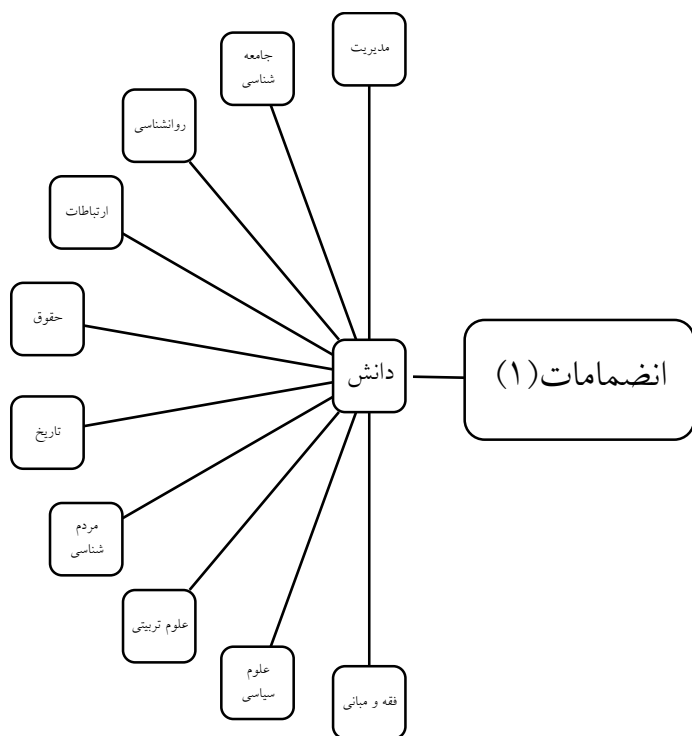
### تکمیل چرخه نظام دانش مواجهه

تکمیل پروسه تدوین نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها نیازمند گام‌های دیگری است که در این مرحله مورد توجه قرار می‌گیرد:

## گام اول: شناخت دانش و روش مورد نیاز

تا اینجا مشخص شد که شناخت و تحلیل نیازهای دانشی و روشی سازمان<sup>۱</sup> عمل کننده حائز اهمیت است. این امر شامل شناسایی عملکردهای کلیدی سازمان، شناسایی نیازهای دانشی برای انجام این عملکردها و تحلیل نیازهای دانشی شامل دانستن و توانایی های مورد نیاز برای انجام عملکردها است. با بررسی های انجام شده؛ نیاز سازمان مقابله با فرقه ها به ترکیبی از دانش ها و رویکردها مشخص می گردد (رپکو، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

تقسیم بندی علوم مورد نیاز در سه مرحله مقدماتی، مواجهه و پیامد سنجی؛ به روایت نمودار زیر عبارت است از:

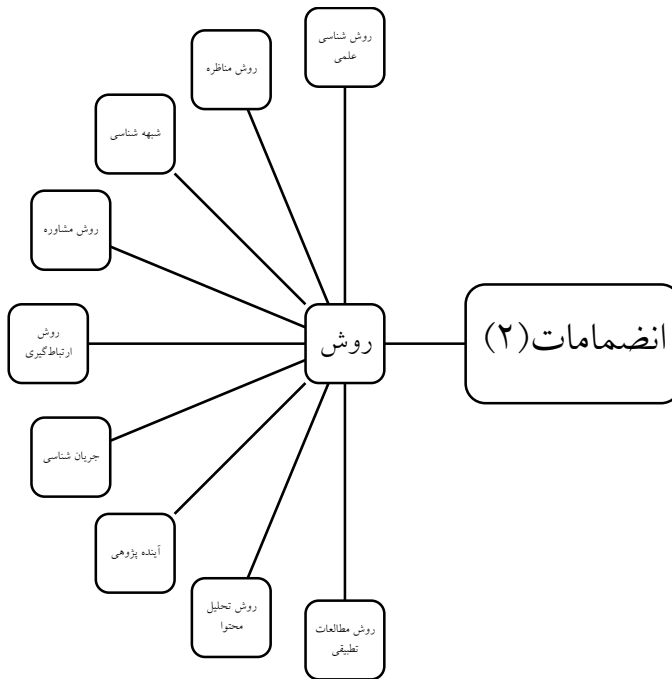


نمودار شماره ۳: چرخه انضمامات دانشی مورد نیاز در مواجهه با فرقه ها

در مرحله دوم؛ وجود مهارت های روشی برای تبدیل آموخته های کتابی به اجرای

۱. سازمان عبارت است از: روابط منظم افرادی که تحت سلسله مراتب مختلف، وظایف مختلفی دارند، ولی دارای هدف مشترکی هستند که برای نیل به آن همکاری دارند (فومنی، ۱۳۸۲: ۳۵).

اثربخش و توانمندسازی سازمان برای به کارگیری اصول علمی این رشته در دنیای پیچیده فرقه‌ها بسیار ضروری است. برخی از این مهارت‌های روشی عبارتند از:



نمودار شماره ۴: چرخه انضمامات روشی مورد نیاز در مواجهه با فرقه‌ها

از حیث روش شناختی، سازمان مقابله کننده با فرقه‌ها؛ ضمن تسلط و آشنایی با انضمامات دانشی و استفاده به‌هنگام از انضمامات روشی، علم کلام را در محوریت مواجهه قرار داده و با استفاده از دانش ترکیبی و چند وجهی تولید شده، هدایت و مدیریت و کنترل فرقه را عهده دار می‌شود.

انضمام	روش	توضیح جایگاه و اهمیت
دانش	علوم اجتماعی	بررسی ساختارها و روابط اجتماعی و مطالعه فرآیندهای گروهی و انحرافات اجتماعی به درک بهتر دینامیک فرقه‌ها کمک می‌کند.
	علم روانشناسی	درک عوامل روانی و شخصیتی که می‌تواند به انحرافات افراد در فرقه‌ها منجر شود، می‌تواند در کنترل فرقه‌ها مفید

	باشد.
علوم سیاسی	بررسی نظام‌های سیاسی، قدرت و نفوذ سیاسی و نحوه استفاده از آنها توسط فرقه‌ها می‌تواند در تدابیر و کنترل این فرقه‌ها حائز اهمیت است.
علوم ارتباطات	بررسی روش‌های تولید و انتشار اطلاعات، استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی توسط فرقه‌ها و راهکارهای مقابله با آنها می‌تواند لازم و ضروری است.
علم حقوق	بررسی قوانین و مقررات مربوط به فعالیت فرقه‌ها و امور مرتبط با آنها می‌تواند در ایجاد قوانین و محدودیت‌هایی که به کنترل فرقه‌های انحرافی کمک کند، مؤثر باشد.
علم اخلاق	بررسی اصول اخلاقی فرقه‌ها و استخراج شاخص‌های اخلاقی در مقابله با انحرافات و فرقه‌های انحرافی می‌تواند به شناخت بهتر جریان و تاثیرات آن کمک کند.
علم اندیشه و فرهنگ	بررسی اندیشه‌ها و فرهنگ‌های موجود در جامعه و تأثیر آنها بر فرقه‌های انحرافی، می‌تواند در شناخت بهتر و تدارک استراتژی مقابله با آنها مفید باشد.
علوم تربیتی	بهبود سیستم آموزشی و تربیتی جامعه، ترویج تفکر کریستیکال و انتقادی، افزایش آگاهی و دانش افراد، می‌تواند در پیشگیری و کنترل فرقه‌های انحرافی تأثیرگذار باشد.
علم روابط بین الملل	بررسی نقش فرقه‌های انحرافی در روابط بین‌المللی و تأثیر آنها بر امنیت و استقرار صلح، می‌تواند در برنامه‌ریزی و کنترل آنان مؤثر باشد.
علم تاریخ	بررسی و الگوگیری از اتفاقات مشابه تاریخی و نحوه مواجهه سازمان‌های عمل‌کننده در مواجهه با فرقه‌ها در طراحی و مهندسی نوع مواجهه مفید خواهد بود.
علم جامعه‌شناسی	قشربندی و طبقه‌بندی اجتماعی، تحرک اجتماعی، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی انحراف، جامعه‌شناسی

حقوق، جنس و جنسیت و... تماماً به عنوان کانون‌های ستی جامعه‌شناسی از جنبه‌های مختلفی با پیدایش فرقه‌ها پیوند دارند و توجه به این علم یکی از اولویت‌ها خواهد بود.		
--	--	--

جدول شماره ۱. دانش‌های مورد نیاز در مواجهه با فرقه‌ها

انضمام	روش	توضیح جایگاه و اهمیت
روشنی	روش شناسی علمی	استفاده از مجموعه قواعد و رویه‌های مورد نیاز برای انجام تحقیق علمی، با هدف کسب دانش جدید در دسته بندی و تفسیر اطلاعات
	روش مناظره	کشف تناقض‌ها و نقاط ضعف، مهارت ارائه دلیل و شواهد، تبیین و دفاع از مواضع، جلوگیری از مغالطه‌گویی‌ها
	روش مشاوره	کسب مهارت‌های گفتگو با هدف کمک به تجزیه و تحلیل شرایط و تصمیم‌گیری در بحران به وجود آمده
	روش ارتباط‌گیری مؤثر	بکارگیری مجموعه اعمال و رفتار در انتقال پیام به فرد آسیب دیده با هدف جلب عواطف و احساسات
	جریان شناسی	آشنایی با روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و انتاج مطلوب
	آینده پژوهی	مجموعه تلاش‌هایی که با جستجوی منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه می‌پردازد.
	روش تحلیل محتوا	یک نوع روش تحقیق با هدف شناسایی الگوهای موجود در ارتباطات ذخیره شده با استفاده از قواعد

جدول شماره ۲. روش‌های مورد نیاز در مواجهه با فرقه‌ها

گام دوم. شناخت سوژه و سازماندهی دانش

در این مرحله، دانش سازمان‌دیده دربار سوژه مورد نظر شناسایی و جمع‌آوری

می‌شود. این شامل شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات موجود در سازمان، انجام مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها، ایجاد پایگاه داده‌های دانشی و استفاده از روش‌های دیگر جمع‌آوری دانش است.

طی این مرحله، دانش جمع‌آوری شده به حسب نیازهای دانشی سازماندهی و ساختاردهی می‌شود. این شامل تعیین دسته‌بندی‌های مختلف برای دانش و تعیین روابط بین دانش‌ها است:

### ۱. دسته‌بندی دانش سوژه

درباره دسته‌بندی دانش مربوط به سوژه (فرقه‌ها)، مدل‌های گوناگونی ارائه شده است اما یکی از دسته‌بندی‌های مناسب و قابل دفاع؛ دسته‌بندی دانش بر مبنای کارکرد است که دانش را به چهار سطح دسته‌تقسیم کرده است (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۱):

#### ۱-۱. دانش درک یا دانستن چه چیزها (KNOW - WHAT)

کارکرد توصیفی فرقه‌ها و بیان آن به عنوان یک پدیده؛ اولین گام در دانش درک مواجهه با فرقه‌ها بشمار می‌رود که از آن به دانش درک تعبیر می‌شود. این مرحله می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مرحله دسته‌بندی دانش، ذیل سازماندهی دانش باشد. این گام در پنج مرحله انجام می‌شود که عبارتند از:

#### ۱-۱-۱. درک ماهیت و چیستی فرقه انحرافی

ساده‌ترین کار برای درک ماهیت و چیستی فرقه‌ها، توجه به این تعریف است: «ترویج هرگونه انحراف در حوزه دین و فرهنگ و انجام رفتارهای فرقه‌ای چالش برانگیز که در قالب گروه، جمعیت و مانند آن باشد، مصداق فرقه انحرافی است.» برای درک بیشتر ماهیت فرقه انحرافی؛ تعریف انحراف حائز اهمیت است که در سه سطح تبیین می‌شود:

• خروج از دین؛

• خروج از مسلمات مذهب؛

• طرح و ترویج سخنان مغایر و مخل به آموزه‌های قطعی اسلام.

در لایه بعدی بهتر است رفتارهای فرقه‌ای توضیح داده شود تا ماهیت فرقه پرواضح گردد، که عبارتند از:

۱. استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن، القائات روانی، تسلط روانی یا جسمی بر

افراد؛

۲. بهره‌کشی از افراد و سوء استفاده جنسی، جسمی و مالی؛

۳. آسیب رساندن به قدرت تصمیم‌گیری افراد و تشویق به ارتکاب جرائمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، خودآزاری و دیگر آزاری؛

۴. هرگونه فعالیت آموزشی و تبلیغی مخل به شرع مقدس اسلام؛

۵. طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت، امامت و ارتباط با پیامبران و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛

۶. سوء استفاده از علوم ماورائی و علوم غریبه (سحر، جادو، استفاده از جن و ...)

۷. باورها، رفتارها و گفتارهای غلوآمیز از سوی رهبر فرقه و یا مریدان، در صورتی که مورد انکار رهبر فرقه قرار نگیرد؛

۸. القاء برخورداری از مقامات عرفانی به مخاطب با هدف مرید پروری و .. بصورت مستقیم یا غیر مستقیم با تمسک به شیوه‌هایی مانند ادعای شاگردی اساتید عرفان مشهور و صاحب اجازه بودن و...

اگر بخواهیم همه ابعاد فرقه را درک کنیم، بهتر است که واژه رفتارهای چالش برانگیز نیز تبیین شود که عبارتند از:

۱. سخنان، نظرات و ادعاهای خلاف شهرت اجماعی علماء و متخصصین مربوطه؛  
 ۲. هرگونه رفتار و گفتار خلاف مبانی دینی و اعتقادی که در تعارض با سیاست‌های کلی نظام و حوزه‌های علمیه، قوانین و حاکمیت باشد؛ مانند توهین به ادیان، مذاهب و اقوام؛

۳. طرح مسائلی که منجر به بروز انحراف یا زمینه سوءاستفاده یا ترویج جریانی فرقه‌ای گردد. مانند ترویج تطبیق‌گرایی و خرافات و...

شناخت دقیق فرقه به عنوان یک پدیده اجتماعی، آنگاه می‌تواند مورد مذاقه قرار گیرد که علوم اجتماعی به استمداد آن آمده و درک جامع و صحیحی را برای ما ایجاد کند.

**۲-۱-۱. درک ارکان تشکیل دهنده فرقه‌ها**

هر کدام از فرقه‌ها، متشکل از ارکان سه‌گانه؛ سرکرده، اعضاء و ایدئولوژی می‌باشند:

الف. سرکرده: «سرکرده عنوانی عمومی برای موسس و مدیر تشکیلات است که روابط فرقه‌ای او به تناسب نوع و فرقه متغییر بوده و با عنوان؛ قطب، دبیرکل، قبله عالم، استاد کل و... خوانده می‌شوند».

روابط فرقه‌ای عبارت از روابطی است که در آن یک فرد آگاهانه افراد دیگر را با استفاده از روش‌های خاصی وادار می‌کند تا به طور کامل (یا نسبتاً کامل) در خصوص همه زمینه‌های تصمیمات مهم زندگی شان وابسته به او باشند، و به این پیروان عقیدتی این طور القا می‌کند که او دارای استعداد، نبوغ یا دانش ویژه‌ای است.

ب. اعضا: «مجموعه‌ای از افراد که خود را ملزم به رعایت منشور تشکیلات می‌دانند و برای محقق ساختن اهداف و دستورات صادر شده از طرف سران و گردانندگان، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند» البته اعضا یک فرقه به چند طبقه تقسیم می‌شود که در مباحث بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج. ایدئولوژی: این واژه می‌تواند دارای دو نوع تعریف متضاد باشد و استفاده از هر کدام بستگی به مرامنامه آن تشکیلات دارد: «اندیشه‌های کاذب، با مرامنامه دنیایی» و یا «اندیشه‌های معرفتی، با مرامنامه دینی».

تعیین و توجه به محیط و جامعه هدف، یکی از ملزومات تشکیلات بوده و تمامی تلاش گردانندگان بر این است تا از رعایت موارد مذکور مغفول نمانند، زیرا سناریوی طراحی شده، بر اساس نیازمندی‌های جامعه هدف بوده و انتقال سناریو به جامعه هدف، مهم‌ترین مأموریت اعضای فرقه است.

### ۳-۱-۱. درک طبقه‌بندی فرقه‌ها

برای شناخت بهتر فرقه‌ها، ابتدا باید با انواع فرقه‌ها آشنا شد، چراکه فرقه‌ها از قانون واحدی پیروی نمی‌کنند و هر کدام به تناسب ایدئولوژی و جامعه هدف از پیش تعیین شده، ابزارها و روش‌های تبلیغی خود را تعیین می‌کنند. البته فرقه‌ها از زوایای گوناگون قابلیت طبقه‌بندی دارند که برخی از موارد مهم پرداخته می‌شود:

۱. فرقه‌های کلامی؛ مانند بهائیت، وهابیت، احمد الحسن، منصور هاشمی خراسانی و... .

۲. فرقه‌های معنویت‌گرا؛ مانند صوفیه، عرفان حلقه، اکنکار، عرفان سرخ پوستی و... .

۳. فرقه‌های روانشناختی؛ مانند قانون جذب و... .

۴. فرقه‌های هنری؛ مانند سایکدلیک، بی تی اس، اکسو، بلک پینک و... .

۵. فرقه‌های نجات‌گرا؛ مانند فرقه روای شانکار و... .

۶. فرقه‌های درمانگر؛ مانند ری کی، عرفان کیهانی حلقه، یوگا و...

#### ۴-۱. درک خطرات و آسیب‌های فرقه انحرافی

فرقه‌های انحرافی می‌توانند بسیار خطرناک و خطر آفرین باشند و جامعه را از ابعاد گوناگونی دچار آسیب و بیماری کنند. درک خطرات و آسیب‌های فرقه‌ها، نیاز خود را به بسیاری از علوم اعلام خواهد کرد تا او را از برون رفت‌های موجود آگاه کنند. برخی از آسیب‌های متداول فرقه‌ها عبارتند از:

**آسیب به سلامت روحی:** فرقه‌ها معمولاً در تلاشند تا بر روی عقاید و اعتقادات افراد تأثیر بگذارند و آن‌ها را از جامعه جدا سازند. این تأثیر ممکن است باعث ایجاد تنش‌های روانی، افسردگی، اضطراب و حتی بروز بیماری‌های روانی شود. به طور مشخص می‌توان به آسیب‌های روحی در گروه موسیقی بی تی اس اشاره کرد که صدمات این گروه به موارد ذیل منجر می‌شود:

- تغییر جنسیت؛
- هم‌جنس‌گرایی؛
- خودکشی و خود زنی؛
- ازدواج خیالی با اعضای گروه موسیقی؛
- ترک خانواده و آداب اجتماعی.

**آسیب به علاقه‌مندی‌ها و روابط اجتماعی:** فرقه‌ها معمولاً افراد را از خانواده و دوستان غیر فرقه جدا می‌کنند و تلاش می‌کنند تا اعتماد و روابط اجتماعی آن‌ها را با دیگران خراب کنند. این می‌تواند منجر به ایزوله شدن افراد و کاهش کیفیت زندگی آن‌ها شود. به عنوان مثال می‌توان به برخی از آسیب‌های دینی فرقه انحرافی منصور هاشمی خراسانی اشاره کرد:

- ایجاد فاصله عاطفی در خانواده‌ها به واسطه جذب یکی از اعضای آن به فرقه منصور؛
- ممانعت از فرزند آوری برای زنان یا مردانی که همسرشان مخالف فرقه مذکور باشند؛
- سوء استفاده از زنان و دختران در تبلیغ جریان و تشدید تنش‌های خانوادگی؛
- تربیت فرزندان با دیدگاه تکفیری و مخالف با نظام جمهوری اسلامی.

**آسیب به اقتصاد:** برخی از فرقه‌ها با استفاده از سیستم‌های اقتصادی غیر قانونی، افراد را به جمع آوری وجوه مالی تشویق می‌کنند. این ممکن است به فقدان منابع مالی و اقتصادی برای افراد منجر شود و در نتیجه زندگی آن‌ها تحت تأثیر قرار گیرد. برخی از این موارد عبارتند از:

- سوء استفاده‌های مالی از جذب شدگان؛
- ایجاد شبکه فساد اقتصادی در کشور؛
- تشکیل شرکت‌های هرمی آسیب‌زا و حضور فعال اعضای جریان در شرکت‌های مذکور؛
- خروج ارز از کشور.

**آسیب به جامعه:** فرقه‌ها ممکن است افراد را به انجام عمل‌های خلاف قانون ترغیب کنند و در نتیجه امنیت و استقرار اجتماعی آنان را به خطر بیندازند. این می‌تواند منجر به افزایش جرائم و خشونت در جامعه شود.

**آسیب به تحصیلات:** برخی از فرقه‌ها ممکن است افراد را از تحصیلات بازدارند و تلاش کنند تا آن‌ها را به افرادی با شخصیت ضعیف و اطاعت‌گرا تبدیل کنند. این امر منجر به کاهش سطح آموزش و علم در جامعه می‌شود.

**آسیب به حقوق بشر:** برخی از فرقه‌ها ممکن است افراد را مورد آزار و اذیت قرار داده و حقوق بشر را نادیده بگیرند. این می‌تواند شامل خشونت فیزیکی، زورگیری، تبعیض و سوء استفاده جنسی باشد.

**آسیب به سلامت جسمانی:** بعضی از فرقه‌ها ممکن است افراد را به انجام درمان‌های غیر علمی و خطرناک ترغیب کنند که می‌تواند به آسیب جسمانی و حتی مرگ منجر شود. در اینباره می‌توان به آسیب‌های عرفان کیهانی حلقه اشاره کرد که با ابداء روشی با عنوان «فرادرمانی» بسیاری از مخاطبین خود را گرفتار بیماری‌های بدون درمان کرده و مسئولیتی در این خصوص بر عهده نگرفته است.

**آسیب به حریم خصوصی:** برخی از فرقه‌ها ممکن است اطلاعات شخصی افراد را بدون اجازه آن‌ها جمع آوری کنند و از آن‌ها برای اهداف غیر قانونی یا خلاف مصلحت استفاده کنند. این باعث نقض حق حریم خصوصی افراد می‌شود.

**آسیب به توسعه شخصی:** بعضی از فرقه‌ها ممکن است افراد را از رشد و توسعه شخصی بازدارند و تلاش کنند تا آن‌ها را در چارچوب اعتقادات و سیاست‌هایشان

محدود کنند. این ممکن است شامل ممانعت از تحصیل، کار، روابط شخصی و تلاش برای کنترل و مدیریت زندگی فرد باشد. این امر منجر به آن می‌شود تا افراد نتوانند به طور کامل از پتانسیل خود بهره ببرند و در زمینه‌های مختلف از جمله شغلی، روابط اجتماعی و رشد شخصی محدود شوند.

آسیب به سوابق حقوقی و کیفری: برخی از فرقه‌ها ممکن است با ترغیب افراد به نقض قوانین رائج کشور و همچنین با تحریک آنان به قتل یا جنایت، سوابق قضایی و امنیتی افراد را مخدوش کنند. به عنوان مثال می‌توان به برخی از آسیب‌های دینی فرقه انحرافی بهائیت اشاره کرد:

- همراهی یا مدیریت جریان‌های برانداز و معاند؛
- همکاری با سازمان منافقین و جریان‌های تروریستی؛
- همراهی و حمایت از جریان‌های ضد ایرانی در منطقه؛
- جذب و تحریک اراذل اوباش بر ضد نظام جمهوری اسلامی؛
- مدیریت اغتشاش و تجمعات آشوبگرانه؛
- تظلم خواهی و القاء نادیده گرفته شدن حقوق شهروندی اعضای جریان در کشور؛
- القاء ناعدالتی در قوه قضائیه در خصوص احکام صادر شده برای مبلغین جریان؛
- نا امن کردن فضای مجازی برای کاربران عمومی با انتشار باورهای انحرافی جریان و جذب.

**آسیب به باورهای دینی:** عموماً فرقه‌ها با ایجاد انحراف در باورهای دینی، افراد را به تغییر دین یا مذهب دعوت کرده و آنان را در حوزه اعتقادات و باورها دچار آسیب جدی می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به برخی از آسیب‌های دینی فرقه انحرافی احمد الحسن اشاره کرد:

- ایجاد بدعت در اصول و فروع اسلام و مذهب حقه تشیع، مانند: انکار ختم نبوت، افزایش تعداد اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ۲۴ وصی، تغییر برخی از احکام عبادات و نامشروع دانستن دریافت وجوهات توسط مراجع تقلید و...؛
- ایجاد وارونگی در فهم مساله انتظار و مهدویت، مانند: ارتقاء جایگاه یمانی به عصمت و امامت و...؛

• مبارزه با ولایت فقیه و نامشروع و ناکارآمد دانستن آن؛

• مخالفت و مبارزه با جایگاه مرجعیت و مراجع تقلید و علمای شیعه؛  
 • ایجاد انحراف در هیئات مذهبی و جامعه مادحین و ترغیب آنان برای توسل به احمد الحسن در مراسمات؛

• برخورداری از باورهای تکفیری، مانند: ناصبی و نجس دانستن مخالفین احمد الحسن و مجاز بودن دزدی از اموال مخالفین فرقه.

**آسیب به مصالح سیاسی کشور:** از جمله آسیب‌هایی که برخی از فرقه‌ها بر پیکره جامعه وارد می‌سازند، زیر پا گذاشتن مصالح سیاسی کشور است. آنان سعی بر آن دارند تا با مخالفت‌ها و تحریک لایه‌ها و اقشار مختلف جامعه، کشور را دچار بی‌ثباتی سیاسی کنند. به عنوان مثال می‌توان به برخی از آسیب‌های دینی فرقه انحرافی وهابیت اشاره کرد:

• ایجاد فضای ناامیدی در میان اقشار مختلف مردم در خصوص عملکرد و آینده جمهوری اسلامی ایران

• تحریم انتخابات و حضور در مراسمات سیاسی کشور؛

• ایجاد شبهه و شایعه در خصوص دفاع نظامی ایران از ارمنستان بر کشتار مسلمانان آذربایجان؛

• حضور فعال برخی از عناصر فرقه در جریان فتنه و اغتشاشات.

#### ۱-۱-۵. درک ضرورت مقابله و مواجهه با فرقه انحرافی

درک این مطلب که باید با فرقه‌ها مقابله کرد، سازمان‌های مواجهه‌کننده را ملزم به آن می‌کند تا علاوه بر درک آسیب‌های فرقه‌ها، ابزار دانشی آن را نیز فراهم کنند.

#### ۱-۲. فهم سیستم‌ها یا دانستن چراها و علت‌ها (KNOW - WHY)

یکی از مهم‌ترین مراحل سازماندهی دانش، بررسی آن از بُعد کارکرد علت و معلولی است. طی این مرحله، نسبت‌های علیّ و معلولی فرقه‌ها با جامعه، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، دین و باورهای دینی، نهادها و سازمان‌ها و... مشخص می‌گردد و در این فرایند؛ علل پیدایش، علل گسترش و همچنین علل گرایش به فرقه روشن خواهد شد. سازمان‌های مواجهه‌کننده با فرقه‌ها با در نظر گرفتن این علل، بر پیوند دانش‌ها با علم کلام و همچنین لزوم به‌رمندی از انضمامات پی خواهند برد.

#### ۱-۳. توجه به چراها (CARE - WHY)

در این مرحله، توجه به انگیزه و اشتیاق‌های به وجود آورنده چراها، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا دانش مورد نظر از جمیع جهات تامین شده باشد. مواردی

مانند کسب ثروت، کسب قدرت و حتی سوء استفاده‌های جنسی می‌تواند به عنوان انگیخته فرقه انحرافی مورد توجه قرار گیرد که هر کدام می‌تواند زمینه ورود یکی از علوم مورد نظر را در جهت حل مسأله فراهم کند. یکی از روش‌های مناسب در این بخش که کاربرد مناسبی در مدیریت دانش مواجهه با فرقه‌ها دارد، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها است که برای سازمان مقابله کننده این امکان را می‌دهد که لایه‌های پنهان را در مجموعه علل شناسایی کند (عنایت الله، ۱۳۹۸: ۱: ۶۵-۹۹). در این روش، علل پیدایش و گسترش فرقه و همچنین علل گرایش به فرقه در چهار محور؛ مسأله عینی، علل اجتماعی، جهانبینی، اسطوره و استعاره مورد بررسی و تطبیق قرار می‌گیرد.

## ۲. تعیین روابط دانش و روش با سوژه

تعیین روابط بین دانش‌ها و اطلاعات ما از سوژه، بستگی به موضوع مورد نظر و عوامل موثر در آن دارد. در حوزه علوم نظری و انسانی، گزارش‌های تحلیلی و مقالات پژوهشی می‌توانند به تعیین روابط بین دانش‌ها کمک کنند. در این حالت، پژوهشگران می‌توانند از تحلیل محتوا برای شناسایی مفاهیم کلیدی و رابطه بین آنها استفاده کنند. در این روش، پژوهشگران موضوع مورد نظر را بررسی کرده و عناصر کلیدی، مفاهیم و ارتباطات را شناسایی می‌کنند. سپس، روابط بین این عناصر با اطلاعات سوژه را تعیین می‌کنند. البته این روابط بر اساس سازماندهی مفهومی یا مطالعات موردی نیز قابل تعیین می‌باشند.

در این مرحله، نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها به عنوان دانش چند ترکیبی باید قادر به پاسخگویی به سئوالات زیر باشد تا شاخص‌های ارزیابی نظام دانش را کسب کند:

رابطه و نسبت جهان فرقه با جهان فرهنگی چیست؟	علوم اجتماعی
رابطه جهان ذهنی در فرقه با جهان فرهنگی چیست	
روش فهم لایه‌های عمیق (بنیادین) و لایه‌های سطحی (غیربنیادین) فرقه چیست؟	
چگونه اندیشه سرکرده فرقه وارد حوزه فرهنگی می‌شود؟	
کدام یک از فرقه‌ها قابلیت و ظرفیت جهانی شدن دارند؟	
رابطه نظام جهانی با پیدایش فرقه‌ها چیست؟	

جامعه‌شناسی	نحوه بهرمندی فرقه‌ها از طرح سؤالات واقعی، تطبیقی، تکوینی و نظری چیست؟
	معنادار بودن در کنش فرقه چیست؟
	رابطه کنش فرقه و کنش اجتماعی چیست؟
	رابطه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی با تولد فرقه‌ها چیست؟
	جهان اجتماعی با فرقه‌ها چگونه قابل تطبیق هستند؟
علوم سیاسی	رابطه متغیرهای سیاسی با تولد فرقه‌ها چیست؟
	رویش و ریزش‌های سیاسی در مواجهه با تولد فرقه‌ها تا چه میزان است؟
	کاربرد سیاست و علوم سیاسی در مدیریت و کنترل فرقه‌ها تا چه میزان موثر است؟
علم روانشناسی	استفاده از قواعد و رویه‌های روانشناختی چه نقشی در مواجهه هدایتی فرد جذب شده به فرقه انحرافی دارد؟
	ارتباط روانشناسی فرقه با سایر سوژه‌ها چیست؟
	با استفاده از روانشناسی، کدام جهت از جهات مواجهه با فرقه‌ها پوشش می‌یابد؟
مدیریت رفتار سازمانی	معارضه یا گیرایی کار و همچنین سیستم پاداش در فرقه‌ها چه سامانی دارد؟
	ابزارها و شگردهای تقویت انگیزه سازمانی در سازمان‌های فرقه‌ای چگونه می‌تواند باشد؟
	ویژگی شخصیتی سازشکار چه جایگاهی در فرقه‌ها دارند؟
	روش چهار بعدی «هاف استد» چه جایگاهی در مدیریت رفتار سازمانی در فرقه‌ها دارد؟
علوم حقوقی	وضع قوانین بازدارنده چه نقشی در کنترل و مدیریت فرقه‌های انحرافی دارد؟
	خلاءهای قانونی چه نقشی در پیشرانی فرقه‌ها دارد؟
	مغزشویی، کنترل ذهن، القاء رعب و وحشت در فرقه‌ها، چگونه به عنوان جرم مانع قابل بررسی هستند؟
	تاسیس فرقه انحرافی با حقوق شهروندی چگونه دارای تضاد منافع هستند؟

جدول شماره ۳. نمونه ارزیابی ارتباط دانش و روش با اطلاعات سوژه

## نتیجه‌گیری

تبیین ضرورت و چگونگی نگاه منظومی و چند ترکیبی و استراتژیک به دانش مواجهه با فرقه‌ها، مهم‌ترین گام در اثر بخشی مواجهه است که تاکنون مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مواجهه با فرقه‌ها به منظور مدیریت، کنترل و هدایت، نیازمند یک دستگاه معرفتی است و هر دستگاه معرفتی بایسته است که مبتنی بر مبانی خود، الگوی توسعه منظومه دانش و علوم را شناسایی کرده و رهیافتی روش شناختی نسبت به توسعه دانش و علوم خود داشته باشد. با توجه به خلاء جبهه مواجهه با فرقه‌ها، از دستگاه معرفتی و نظام دانش، مدیریت منظومه دانش مواجهه اندیشه‌ای با فرقه‌ها، پاسخگوی نیازهای هدایتی و کنترلی و مدیریتی فرقه‌ها خواهد بود.

یکی از اصول تدوین نظام دانش مواجهه با فرقه‌ها، نیاز سنجی علوم مورد نیاز است که مبتنی بر شبکه مسائل کشف و طراحی می‌شود. در گام دوم؛ شناخت و تحلیل سوژه به عنوان موضوع اساسی ما صورت پذیرفت و درک چندلایه ای آن در این مجال حائز اهمیت بود. پس از طی این دو مرحله؛ یعنی احراز صلاحیت دانش‌ها و روش‌های انضمامی یافته به علم کلام و نیز شناخت و تحلیل سوژه، نوبت به تعیین روابط بین این دو مرحله رسیده و مورد ارزیابی قرار گرفت. ارزیابی‌ها در این بخش بر اساس تامین سؤال و نیاز سوژه از دانش‌ها و روش‌ها صورت می‌گیرد.

۱. احمدی، علی اکبر و صالحی، علی ۱۳۸۹، *مدیریت دانش*، تهران، دانشگاه پیام نور.
۲. افتخاری، علی ۱۳۸۸، علوم بین رشته‌ای در آموزش عالی، *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره اول، شماره ۲، فروردین، صص ۶۵-۸۳.
۳. ریکو، آلن ۱۳۹۶، *پژوهش میان رشته‌ای: نظریه و فرایند*، ترجمه محسن علوی پور، تهران، نص.
۴. طاهری دمنه، محسن و حیدری دارانی، زهرا، ۱۳۹۸، ضرورت و امکان پذیری میان رشتگی در آموزش‌های پیش از دانشگاه: کولاژی از آینده مدرسه، *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره یازدهم، شماره ۴، پاییز، صص ۶۹-۹۹.
۵. عنایت الله، سهیل ۱۳۹۸، *تحلیل لایه‌ای علت‌ها*، تهران، موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. فومنی، محمد رسول ۱۳۸۲، *جامعه شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی*، تهران، دوران.
۷. کاظمی مقدم، ایمان ۱۳۹۵، *درسنامه آموزشی نظریه شبکه مسائل*، مشهد، موسسه مطالعات راهبردی.
۸. محمدی هوشیار، علی، ۱۳۹۷، *دکان‌های کاغذی*، قم، جمکران.
۹. محمدی هوشیار، علی، ۱۴۰۳، روش‌مندی جریان‌شناسی انحراف در عرصه مهدویت، *فصلنامه پژوهشی مشرق موعود*، ش ۷۱، بهار، صص ۲۹-۵۰.
۱۰. مریام وبستر، اسپرینگفیلد ۲۰۱۹، *تعریف سیستم*، ایالات متحده آمریکا، بی‌نا.